

سرمقاله

بازار ارز تحت تاثیر متغیرهای روانی

ادامه از صفحه یک.... در زمان پرداخت هر نرخِ پرداختِ خود. به عبارت دیگر تخصیص ارز بر مبنای دلار است اما بانک مرکزی نظارتی ندارد که با چه واحد پولی پرداخت می‌شود؛ در بحث صادرات غیرنفتی بخش خصوصی که حدود ۲۰ درصد از کل صادرات است که آنها هم نمی‌توانند با دلار راباز این نمی‌گردانند مگر اینکه افرادی اسکناس بگیرند و به ایران می‌آورند و آن را می‌فروشند. خرید و فروش‌های دولتی با دلار انجام می‌شود، بیشترین تبادل دلار با خرید و فروش‌های دولتی و فروش نفت انجام می‌شود؛ بسیاری از کشورهای تایلند دارند که با دلار پرداختی‌ها را انجام بدهند اما سالهاست که پرداختی انجام نمی‌شود و کره جنوبی و عراق پول ایران را نمی‌دهند؛ به نظر می‌رسد حذف دلار از تجارت خارجی یک بحث ایدئولوژیک است و چین با هدف اقتصاد اول و دوم شدن در دنیا این بحث را طرح و تلاش‌هایی در زمینه دلار زدایی و تیم کشی را آغاز کرده است چرا که مایل است نفوذ اول اقتصاد دنیا باشد. دلار زدایی مبارزه با دلار اولویت اول اقتصاد در شرایط تحریم ایران نیست و ما همچنان در لیست سیاه FAT هستند؛ به نظر می‌رسد توانیم در این زمینه کار چندان انجام بدهیم. ارزهای دیگر قابل رقابت با دلار هستند اما شرایط فملی اقتصاد کشور تحمل بحث‌های حاشیه‌ای را ندارند و نیازمند برقراری رابطه خوب با دنیا و از سر گیری مرادوات بانکی و ... است و در گام بعدی می‌توان دلار زدایی را پیش بگیریم. برای صادر کننده اهمیتی ندارد که با چه ارزی پول بوزل راباز گرداند و صادر کننده‌ای که ۲ سال است پولش را از عراقی‌ها دریافت نکرده برای او اهمیتی ندارد که با چه ارزی مطالبه خود را دریافت می‌کند. دولت در ازای فروش نفت حاضر است که گندم دریافت کنند. بخشی از پول نفت باید به صندوق توسعه ملی برود برای ایجاد توسعه زیر ساخت‌ها سرمایه گذاری شود. اما در شرایط فعلی دولت نظر موافق خود را نسبت به تهاوت نیز اعلام کرده است، اما به نظر بنده تهاوت گزیننه مناسبی نیست به عنوان مثال عراق اصرار دارد که در ازای پول به ایران مواد غذایی بدهد این در حالیست که ما یکی از صادر کنندگان مواد غذایی به این کشور هستیم. نمی‌توان با واحد پول مبارزه کرد، چرا باید یک واحد پول را ایدئولوژیک کنیم هم اکنون بسیاری از کسب و کارها با دلار مرادوات تجاری خود را پیش می‌برند و در سالیهای اخیر WTO سیاست یکسان سازی تجارت را دنبال کرده است و اینکه ما بخواهیم ارز در تجارت را جا بجا کنیم در بحث کار خود را پیچیده می‌کنیم. قیمت ارز در کشور تحت تاثیر وضعیت روانی است، اقدام بنیادی کلان در بحث اقتصاد انجام نشده است که قیمت دلار بالا و پایین برود و یا آن را ثابت داریم. قیمت ارز تحت تاثیر اخبار است و بهترین خبر در حد هزار تومان قیمت ارز را کاهش می‌دهد اما من موافق توثیت زدن‌ها درباره ارز نیستم چرا که نرخ ارز باید بازار آزاد تعیین کند و نباید اخبار قیمت را تغییر بدهند.

یادداشت

پیامدهای بحران اجاره بها

ادامه از صفحه یک.... دیگر قوانین تنظیمی و کنترلی این حوزه از جمله قوانین مالیاتی هم کار آمد و موثر نبوده‌اند. تهران با رشد ۸۷ درصدی قیمت مسکن در صدر و یاسوج با رشد ۸۰ برابری در رده آخر فهرست رشد قیمت مسکن در شهرهای کشور- در فاصله سالیهای ۸۴ تا ۱۴۰۱- قرار دارد، نکته حایز اهمیت در بررسی‌های انجام شده این است که در بلندمدت رشد قیمت اجاره در بیشتر استانها کمتر از افزایش قیمت ملک بوده است ولی در برخی از مراکز استان از یاسوج، بیرجند و خرم آباد رشد اجاره بها بیشتر از رشد قیمت ملک بوده و این امر بدان معناست که در شهرهای کوچک با مشکل عرضه املاک استیجاری مواجه ایم. کنترل قیمت مسکن و چاره اندیشی برای رشد صودان ضرورتی غیر قابل اغماض است، یکی از مواردی که برای کنترل و قان مند شدن بحث اجاره بها در سالیهای اخیر مورد توجه دولت قرار گرفته قیمت گذاری بر میزان افزایش سالانه اجاره بها است. این موضوع اولین بار در سال ۹۹ و همزمان با پاندمی کرونا در کشور مرسوم شد که طی ابلاغیه‌ای ستاد ملی مدیریت بیماری کرونا با موضوع حمایت از خانوارها در زمینه اجاره املاک مسکونی، حداکثر افزایش مبلغ اجاره بها را مبلغ رهن در کلانشهر تهران را تا سقف ۲۵ درصد و سایر کلانشهرها تا سقف ۲۰ درصد برای سایر مناطق شهری کشور، تا اسقف ۱۵ درصد معین کرد. روندی که در سه سال اخیر از سوی دولت دنبال شده است و در سال جاری نیز شورای عالی مسکن در مصوبه‌ای، حداکثر سقف مجاز افزایش اجاره بها می‌سکن در شهر تهران ۲۵ درصد و سایر شهرها ۲۰ درصد را مجاز دانست. متأسفانه بررسی نحوه اجرای مصوبات فوق نشان می‌دهد که در عمل سقف افزایش قیمت رعایت نشده و رقم رشد قیمت اجاره بها در تهران بسیار بیشتر از ۲۵ درصد بوده است و آمار بانک مرکزی حکایت از این دارد که رشد شاخص کرایه مسکن استیجاری در شهر تهران در اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱ در شهر تهران معادل ۴۶ درصد بوده است، شواهد میدانی نشان می‌دهد درسه ماهه چهارم سال ۱۴۰۱ رشدت رشد بیشتر بوده است و لذا پیش بینی می‌شود رشد شاخص اجاره بها در سال ۱۴۰۱ نسبت به ۱۴۰۰ به ۵۰ تا ۵۵ درصد یعنی دو برابر نرخ مصوب دولت در این بازار قرار گیرد. افزایش بیش از ۴۵ درصدی شاخص کرایه مسکن استیجاری در تهران، در طی یک سال پس از اجرای سیاست تعیین سقف ۲۵ درصدی افزایش اجاره بها، نشان دهنده ناکار آمدی اجرای چنین سیاست‌هایی در بازار مسکن ایران است. تحولات بازار اجاره بها همواره تابعی از قیمت مسکن بوده است، در میان مدت و بلندمدت برای ساماندهی و کاهش التهاب بازار اجاره بها باید ریشه های مختلف افزایش قیمت مسکن را باثبات مؤلفه های کلان اقتصادی، افزایش تولید و عرضه مؤثر مسکن در محل تقاضا، حمایت از سرمایه گذاری و ساخت مسکن توسط بخش خصوصی، حمایت از خرید مسکن به قصد عرضه استیجاری و تشکیل نظام اجاره داری حرفه‌ای، کنترل و حذف جریانات سوداگری و وسفته‌بازی مسکن از طریق نظام مالیاتی و افزایش استطاعت و قدرت خرید مسکن دنبال کرد.

تورم موجود نتیجه مداخلات ارزی دولت‌ها



رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در نمایشگاه صنعت مالی، اظهار داشت: طی بررسی انجام شده از سال ۱۳۸۲ تا ۱۴۰۱ حدود ۲۸۵ میلیارد دلار در قالب مداخلات ارزی بانک مرکزی در بازار ارز صورت گرفته که نتیجه آن تورم‌های موجود در کشور است. محمدرضا پورابراهیمی گفت: طبق بررسی انجام شده، شرکت‌های حاضر در بازار سرمایه به میزان ۳۷ درصد با مالکیت نهادهای عمومی، ۳۰ درصد مالکیت دولتی، ۱۲ درصد سهام عدالت و ۲۰ درصد بخش خصوصی خالص است و این ترکیب نشان می‌دهد که حضور بخش خصوصی در اقتصاد به چه میزان است. وی اظهار داشت: قیمت گذاری‌های دستوری برای شرکت‌های حاضر در بازار سرمایه موجب عدم تخصیص کارا و بهینه می‌شود؛ همچنین قواعد بازار سرمایه را به هم می‌ریزد، مانند اینکه در بازی فوتبال اندازه زمین و یا اندازه دروازه را تغییر دهیم، در آن صورت دیگر بازار سرمایه نیست. رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس همچنین ادامه داد: با قیمت گذاری دستوری در صنعت فولاد ۱۲۵ هزار میلیارد تومان رانت و در صنعت تیر سازی ۷ هزار میلیارد تومان رانت توزیع کردیم، در حالی که هم تولید کننده و هم مصرف کننده از قیمت گذاری دستوری ناراضی هستند.

دهه اخیر میزان رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ایران تقریباً صفر و گاه منفی بوده و بخش عمده رشد اقتصادی کشور مربوط به هزینه‌های دولت بوده و این بدین معناست که رشد اقتصادی کشور مبتنی بر نفت است. بنابراین وقتی در برنامه هفتم توسعه میانگین رشد اقتصادی ۸ درصدی تعیین می‌شود و رئیس جمهور نیز همین هدف را برای سال ۱۴۰۲ مشخص کرده، رسیدن به این امر بدون افزایش سرمایه گذاری در کشور اصلا قیال تصور نیست.

▪ سرمایه‌گذاری و اشتغال

سرمایه گذاری رابطه مستقیمی با اشتغال دارد و ایجاد شغل بدون سرمایه گذاری این معنی را القا می‌کند که این میزان اشتغال ایجاد شده پایدار نخواهد بود. دولت در مانور رسانه‌ای خود همواره روی این امر تاکید کرده که در سال ۱۴۰۱ بیش از یک میلیون شغل ایجاد کرده و اتکای این آمار به سامانه‌های ویژه خود وزارت کار و همچنین مطالعات میدانی است که اعتبار چندان‌ی برای سنجش میزان اشتغال ندارند. با مشاهده آمار مربوط به بیمه‌های اجباری به راحتی می‌توان مشخص کرد که چقدر اشتغال واقعی در کشور ایجاد شده است و این آمار نشان می‌دهد که داده‌های دولت با آمار واقعی تفاوت معناداری دارد. بانک جهانی آمار میانگینی را درباره میزان سرمایه گذاری لازم برای ایجاد هر شغل تهیه کرده که بر اساس آن برای ایجاد ۱۰۰ هزار شغل نیاز به ۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری است و به همین ترتیب با همین آمار ساده برای ایجاد یک میلیون شغل به رقمی نزدیک به ۵۰ میلیارد دلار سرمایه نیاز است و اگر این رقم را به تومان تبدیل کنیم به عدد ۲۵۰۰۰ میلیارد یعنی رقمی بیش از چهار برابر کل درآمدهای نفتی ایران در یک سال. الگوی ایجاد شغل در کنسوری مانند تونس که اقتصادش از ایران ضعیف‌تر است همین الگوی ایجاد اشتغال بانک جهانی را تأیید می‌کند. بنابراین ادعای ایجاد بیش از یک میلیون شغل که مکرراً توسط وزیر کار تکرار می‌شود به شدت دچار شک و شبهه است چرا که کشور با توجه به کسری سنگین بودجه و کاهش شدید بودجه عمرانی اساساً ظرفیت حتی نصف این رقم سرمایه گذاری را هم ندارد. فرمول اقتصاد مدرن امروزی ساده است: بدون سرمایه گذاری ایجاد اشتغال پایدار ناممکن است؛ هر چند که وزارت کار احتمالاً رشد میزان سرمایه گذاری در کشور را به پول یاشی تعبیر می‌کند.



اقتصاد است. چنانچه این روند کاهش‌ی رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ادامه پیدا کند یا حتی منفی شود، نباید انتظار رشد اقتصادی مثبت را در سال‌های آینده داشت زیرا این متغیر موتور محرک هر اقتصادی محسوب می‌شود. بررسی نرخ رشد فصلی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص طی مدت مورد مطالعه حاکی از آن است که در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ این شاخص کاملاً رشد منفی را تجربه کرده است. در سال ۹۵ که به عقیده کارشناسان سال اوج برجام نامیده می‌شود، افزایش موجودی سرمایه گذاری خارجی صادر شده و دیدگاه مثبت به آینده منجر به این شد در زمستان سال ۹۵ نرخ رشد فصلی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به ۳۱ درصد برسد و عدم تداوم این وضعیت موجب قطع روند رشد سرمایه شده و سبب ثبت نرخ های منفی در سال‌های ۹۷ و ۹۸ شد. آمارهای سال ۱۴۰۰ نیز نشان می‌دهد که نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت و سهم آن در رشد اقتصادی کشور «صفر» بوده و بیشترین سهم از رشد اقتصادی ۴٫۷ درصدی سال ۱۴۰۰ را هزینه نهایی بخش دولتی با عدد ۸٫۳ درصد داشته است. ثبت عدد «صفر» و روبروی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به معنای این است که به تائید تولید در اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۰ هیچ افزوده نشده‌این در حالیست که در سال ۹۹ رشد این شاخص ۳٫۲ درصد بوده است. بنابراین بر اساس آمارها در یک

در گفتگوی «تجارت آنلاین» با «مرتضی افقه» مطرح شد:

مشکل اصلی اقتصاد ایران ساختار ضد تولید است

کلیدی، طی دو سال تغییر می‌کنند و با تغییرات آنها زیر مجموعه هایشان هم تغییر می‌کند چنین دولتی چگونه می‌تواند در شرایط وخیم تورم، چندین ابر بحران ... و ... کارهای بزرگ انجام دهد؟

▪ در خصوص تعاملهایی که با خارج در حال انجام است تمرکز بر روی چین و روسیه بسیار مشهود است آیا به سرانجام خوبی خواهیم رسید؟

ببینید شاید بتوان گفت توهمی هست که فکر می‌کردند اینکه هیچکدام از این بر نامه های ۶ گانه گذشته به اضافه استنادبالادستی حتی به اهدافشان نزدیک هم نشده‌اند. نکته جالب توجه اینکه این «برنامه که به اقرار مقامات رسمی فقط ۳۴ درصدشان محقق شده است در شرایط تحریم، اتمام منابع نبوده که منجر به کسری ۷۰۰ میلیارد تومانی شده» به قول آقای ممینی ۷۰ میلیارد دلار فقط به صندوق توسعه ملی بدهکار هستیم!) بنابراین دولت در حال حاضر با این تقاسیر چگونه می‌خواهد به رشد اقتصادی و کنترل تورم دست یابد؟! در مجموع از یک طرف تحریم‌ها، کاهش درآمد نفت، کاهش مرادوات خارجی و سیاستهایی که منجر به کمبود و محرومیت نیروهای انسانی ماهر شده (حتی عده زیادی از نیروهای طرفدار انقلاب هم منتقد دولت هستند)، به اعتقاد من با این شرایط تحقق اهداف برنامه هفتم شاید به ۲۰ درصد هم نرسد. دولت سیزدهم ضعیف ترین کابینه بعد از انقلاب را انتخاب کرد که در کمتر از دو سال از عمر خود ۷ مپره کلیدی را جابه جا کرده است. در کنسوری مثل ایران که بسیاری از تصمیمات وابسته آمده‌است نه برنامه بودیم نمی‌توانستیم مرز را آماده کنیم مرزی که می‌توانستیم از آن طریق اشتیاق و عطش تجار عرب را به سریع ترین شکل جبران کنیم و متأسفانه از بازار عراق هم جاماندیم و ترکیه به راحتی توانست بازار عراق را اشغال کند.

▪ چرا بعد از ۳۰ سال که از جنگ گذشته در دهها سندی که داشته هیچ پیشرفتی نکردیم؟

به واقع ناکار آمدی‌های بروکراسی، مدیریتی و انبوه ناکار آمدی‌هایی که کل تولید را دچار مشکل کرده است.

باذ قبول کنیم که مشکل ما موانع خارجی نیست درست است تحریم‌ها به شکل اصلی است اما همین تحریم‌ها هم دلیل این است که طی ۳۰ سال هنوز نتوانستیم به دلایل

ضرورت احیای نقش سرمایه‌گذاری منضبط شبکه بانکی



سیداحسان خاندوزی در نمایشگاه بین‌المللی صنعت مالی گفت: نسبت تسهیلات به سپرده‌ها در شبکه بانکی از ۸۳٫۲ در اسفند سال ۱۴۰۰ به ۸۵٫۱ به اسفند ۱۴۰۱ رسید. هم‌زمان با این افزایش مطالبات غیر جاری ریالی شبکه بانکی از ۴٫۸ در اسفند ۱۴۰۰ به ۴٫۴ در اسفند سال قبل رسیدیم که نشان دهنده تکاپوی شبکه بانکی است. همچنین سهم تسهیلات خرد از ۱۳ به بیش از ۱۵ در صدر رسید و سهم شرکت‌های دانش بنیان ۱۶۵ درصد در سال قبل افزایش داشت.

وی با اشاره به افزایش سرمایه‌ی شرکت‌های سهامی عام از ۱۸۱ همت در سال

۱۴۰۰ به ۲۸۴ همت در سال گذشته عنوان کرد: اوراق شرکتی افزایش قابل توجهی داشت. همچنین تأمین مالی ۳۲ از همت به ۱۳۴ همت در سال گذشته رسید که رشد چهار برابری را تجربه کرد. سهم اوراق شرکتی از ۱۳ به ۲۷ در صد افزایش داشت. وی در مورد رشد سرمایه‌گذاری توضیح داد: با فشاری که سال قبل روی بازرگان هم صورت گرفت از رشد سرمایه‌گذاری منفی پنج در سال ۱۴۰۰ به مثبت ۷٫۷ در سال قبل رسیدیم و بنا داریم در سال جاری این مسیر را ادامه دهیم. همچنین ورود بانک‌ها به سرمایه‌گذاری مستقل امسال مصوب شد. نگاه دولت نقش سرمایه‌گذاری منضبط شبکه بانکی است.

گروه اقتصاد کلان: بر اساس گزارش‌های منتشر شده در سال ۱۴۰۱ سهم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به نصف سهم آن در سال ۱۳۹۰ تقلیل یافته و این در حالیست که سهم مصرف‌نیاهایی دولت جایگزین سرمایه‌گذاری شده‌شده‌و به دو برابر مخارج دولت در سال ۹۰ رسیده است.

به گزارش «تجارت» سرمایه‌گذاری در کشور و نیز تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از مهمترین مؤلفه‌های کلیدی اقتصاد کشور به شمار می‌رود چرا که رشد این عامل اقتصادی هم در کاهش اشتغال، هم در افزایش رشد اقتصادی و هم در کنترل تورم به واسطه افزایش حجم اقتصاد کشور نقش بسزایی دارد. اما رها نشان می‌دهد که وضعیت سرمایه‌گذاری در کشور اصلاً مناسب نیست و به همین دلیل طی سال‌های اخیر سهم آن در رشد اقتصادی کشور در بخش هزینه‌ای کاهش شدیدی را تجربه کرده است.

▪ کاهش سهم سرمایه ثابت ناخالص در رشد اقتصادی

تشکیل سرمایه ثابت متغیری بسیار مهم در ساختار های تولید یک کشور محسوب می‌شوند که توجه و فراهم کردن شرایط برای افزایش آن جزء مهم‌ترین وظایف سیاست‌گذاران به شمار می‌آید. به عبارت دیگر انتخاب سرمایه‌ی مورد تورم رشد اقتصادی به حساب می‌آید. به عبارت دیگر رشد اقتصادی بدون رشد میزان سرمایه‌گذاری در کشور، رشد پایداری به شمار نمی‌رود. بر اساس آمارهای منتشر شده در رسانه‌ها در سال ۱۳۹۰ سهم مصرف‌خصوصی از کل هزینه‌ها حدود ۴۵ درصد و مصارف دولت ۱۰٫۷ درصد بوده است. همچنین در این سال تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۲۴٫۷ درصد و خالص صادرات کالاها و خدمات ۹٫۶ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل داده‌اند. باقی کالا‌های تولید شده نیز به موجودی انبار‌ها اضافه شده است که حدود ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی را شامل شده بوده است. این نسبت‌ها در سال ۱۴۰۱ دچار تغییرات قابل توجهی شده است. علی‌رغم اینکه میزان هزینه‌های مصرف خصوصی به قیمت ثابت در دو سال ۱۳۹۰ و ۱۴۰۱ تقریباً یکسان بوده است، سهم مصرف‌خصوصی از ۴۵ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۰ به ۵۳ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است. دلیل این اتفاق کمتر شدن میزان تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت به روش هزینه‌ای در سال ۱۴۰۱ نسبت به ۱۳۹۰ است.

گروه اقتصاد کلان – آلین سیروس: مر ترضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه معتقد است طی ۲۰ سال گذشته ساختار اقتصادی کشور ضد توسعه و ضد تولید بوده و باید این ساختار تغییر کند تا بتوانیم به پیشرفت و توسعه اقتصادی دست یابیم. گفت و گوی تجارت آنلاین با مر ترضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه را در ادامه می‌خوانید:

برنامه هفتم توسعه بالاخره دو هفته قبل رونمایی شد. این برنامه مسیر سیاستگذاری کشور را طی ۵ سال آتی مشخص می‌کند. از جمله مهمترین محورهای آن رشد اقتصادی و کنترل تورم است که منتقدان دولت معتقدند در دو سال گذشته دولت سیزدهم بدترین عملکرد را در این خصوص داشته است. مر ترضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه در این خصوص معتقد است طی ۳۰ سال گذشته ساختار اقتصادی کشور ضد توسعه و ضد تولید بوده و باید این ساختار تغییر کند تا بتوانیم به پیشرفت و توسعه اقتصادی دست یابیم. این استاد دانشگاه با بیان مطلب فوق می‌گوید: در این سه دهه تا قبل از تحریم‌های ۹۷ ما با دوپینگ نفت توانستیم برخی مشکلات را کتمان کنیم، در واقع با تشدید تحریم‌ها پرده از روی خیلی از مشکلات ساختاری برداشته شد. بنابراین وقتی ساختار ضد تولید و ضد توسعه باشد عملاً نمیتوان کاری کرد. با شرایطی که در حال حاضر در آن هستیم تحقق اهداف برنامه هفتم شاید به ۲۰ درصد هم نرسد. دولت سیزدهم به اعتقاد من ضعیف ترین کابینه بعد از انقلاب را انتخاب کرد که در کمتر از دو سال از عمر خود ۷ مپره کلیدی را جابه جا کرده است.

گفتگوی تجارت آنلاین با مر ترضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه را در ادامه می‌خوانید:

رونمایی از برنامه هفتم توسعه که ۳۰ اردیبهشت انجام شد مسیر سیاستگذاری کشور طی پنج سال آتی را مشخص می‌کند جزئیات گسترده‌ای را در خود گنجانده است؛ رشد اقتصادی و کنترل تورم از محورهای مهم برنامه هفتم هستند؛ از نظر شما آیا دولت سیزدهم با عملکردی که تا کنون از خود ارائه داده می‌تواند این دو محور مهم اقتصادی را مدیریت و سامان دهد؟

در مورد برنامه هفتم که رونمایی شد باید بگویم طبق اظهار یکی از معاونان سازمان برنامه و بودجه در طی «برنامه گذشته به طور متوسط فقط ۳۴ درصد اضافه شده» مسئولیت به است: البته به گفته یکی از نمایندگان مجلس که سندش